

ماجرای مردی که به جای سفره عقد، سر از کمپ در آورد

فروریختن کاخ آرزوها با یک فوت



صدیقی

داستان زندگی اش مانند کشتی گیری است که در یک غفلت ضربه فنی می شود. قرار بود آینده خود را با همسرش بسازد اما به جای محضر و نشستن پای سفره عقد، سر از کمپ در آورد. تکنیسین بود اما با دست فرمان پسر خاله اش از جاده اصلی خارج و پیک نیکی شد! مادرش را راهی بیمارستان و خانواده همسر آینده اش را بدبین کرد و خودش راهی کمپ شد.

خانواده اش پاک و دور از هر گونه آلودگی بودند اما آسمان پسر جوان مدام با پُک های دودی اش ابری بود. اعضای خانواده اش همگی کارمند بودند و از نظر اقتصادی وضعیت شان مطلوب بود و هر کدام با تشکیل خانواده مشغول زندگی شان بودند اما این ته تغاری خانواده در یک بزنگاه با دست فرمان پسر خاله اش از جاده اصلی خارج شد و در ایستگاه اعتیاد چپ کرد. پسر جوان می گوید: اصلا فکر نمی کردم روزی لب به دود بزنم و کارم به کمپ بکشد اما غفلت کردم و با سر داخل متجرباب مواد افتادم.

بعد از این که مدرک فوق لیسانسم را گرفتم در یک شرکت خصوصی مشغول به کار شدم اما وقتی وضعیت بیشتر افراد شاغل در آن جا را دیدم که اعتیاد به هروئین داشتند وحشت کردم و بعد از گذشت مدتی از آن جا خارج شدم و دنبال

یک کار دیگر دور از هر گونه آلودگی رفتم و چون در حرفه ام تک و خاص بودم در یک اداره دولتی به عنوان تکنیسین مشغول به کار شدم. پسر جوان به خاطر شرایط کار و تغییر شیفت دچار نوعی اختلال روحی می شود و دنبال راه چاره می گردد. کارمند جوان در همین گیر و دار شبی مهمان پسر خاله دودی اش می شود و با شرح اوضاع کاری اش از وی مشاوره می گیرد. پسر خاله معتاد که مصرف کننده هروئین است برای کارمند جوان نسخه خودش را تجویز می کند تا به ادعای او در کمترین زمان بیشترین تاثیر را بگذارد.

پسر جوان تحت تاثیر حرف های پسر خاله فضایی اش قرار می گیرد و چند پیک مهمان او می شود و برای اولین بار لب به هروئین می زند. گرفتن چند پیک هروئین سرآغاز سقوط او از قله های افتخار زندگی اش و بعد از آن رفته رفته در دام اعتیاد گرفتار می شود. او می گوید: بعد از آن ماجرا با یک ساقی مواد آشنا شدم و هر روز پنهانی بدون این که کسی بویی از اعتیادم ببرد مواد مصرف می کردم. کم کم مادرم از تغییر رفتار و چهره ام به ماجرا شک کرد تا این که یک روز مجیم را گرفت و همه چیز لورفت. مادرم به خاطر این اتفاق تلخ خیلی بی تابی می کرد اما من کرو کور شده بودم و جز مواد کسی را نمی دیدم. صبح زود قبل از رفتن به اداره مواد مصرف

می کردم تا کسی پی به قضیه نبرد اما با وجود انکار کردن، چهره ام گویای حقیقت بود. با برملا شدن اعتیادم نزد همکاران، اخطارهای اولیه را برای ترک اعتیادم دریافت کردم و با فشار مادرم و از طرفی ترس از اخراج از محل کارم مدت کوتاهی اعتیادم را کنار گذاشتم. پسر جوان بعد از ترک به پیشنهاد مادرش خود را آماده ازدواج می کند و حتی به خواستگاری دختر مورد علاقه اش می رود اما در یک غفلت به جای محضر سر از کمپ در می آورد.

با گذاشتن قول و قرار ازدواج پسر جوان مرتکب یک اشتباه راهبردی می شود و دوباره پا در خانه پسر خاله دودی اش می گذارد. بعد از این اتفاق کاخ آرزوهای

کارمند جوان به یک باره فرو می ریزد و داستان زندگی اش عوض می شود. پسر جوان با یک دنیا حسرت می گوید: بعد از این که با خانواده ام به خواستگاری دختر مورد علاقه ام رفتم و همه قول و قرارها را گذاشتم و حتی تاریخ عقد و محضر را تعیین کردیم، نمی دانم چه شد که تا به خودم آمدم دیدم در خانه پسر خاله هیروئینی مجردم هستم.

پسر خاله ام با چند نفر دیگر در حال مصرف مواد بودند و من را هم وارد بساط دودی خودشان کردند. در حال مصرف مواد صنعتی بودیم که ناگهان ماموران وارد خانه شدند و همه ما را دستگیر کردند. بعد از این اتفاق من را به کمپ فرستادند و این خبر مثل

۶۶

بعد از این که با خانواده ام به خواستگاری دختر مورد علاقه ام رفتم و همه قول و قرارها را گذاشتم و حتی تاریخ روز عقد و محضر را تعیین کردیم، نمی دانم چه شد که تا به خودم آمدم دیدم در خانه پسر خاله هیروئینی مجردم هستم.

در راهروی دادگاه خانواده

۲ بار جدایی یک زوج

فاصله ای که با عشق پر نشد

می شوند و برای جلوگیری از آبروریزی نزد فامیل دوباره با تحت فشار قرار دادن داماد و دخترشان آن ها را پای سفره عقد می نشانند. با ازدواج مجدد دختر و پسر خیلی طول نمی کشد که آن ها صاحب یک فرزند می شوند و با بیکاری داماد و افتادنش در تله اعتیاد، اوضاع اقتصادی زوج جوان وخیم تر می شود. اگرچه مادرزن به شکل پنهانی کمک حال دخترش می شود اما فایده ای ندارد و هر روز شعله اختلافات آن ها می شود تا جایی که داماد جوان دست روی زنش بلند می کند و حتی از او می خواهد ارث خود را از پدر متمولش بگیرد تا تکانی به زندگی شان بدهند. زن جوان با درخواست شوهر بیکار و معتادش به شدت مخالفت می کند و با گرفتن دست تنها فرزندش راهی خانه پدرش می شود تا تکلیف زندگی مشترک شان را روشن کند. زن جوان می گوید: ازدواج ما از ابتدا به دلیل وجود فاصله طبقاتی اشتباه بود اما فکر می کردم با عشق می توانیم جای خالی آن را پر کنیم ولی خیالی باطل بود، آدم با شکم خالی خیلی زود عشق و عاشقی از سرش می پرد. دومین اشتباه ازدواج مجدهمان بعد از جدایی بود و حالا با وجود یک بچه به دادگاه خانواده آمده ام تا برای بار دوم از شوهر معتاد و بیکارم جدا شوم.

صدیقی- زوج جوانی که بعد از جدایی دوباره زندگی مشترک شان را تشکیل دادند بعد از گذشت مدتی با بروز اختلاف بین شان سر از دادگاه خانواده در آوردند. بنا بر اظهارات زن جوان ماجرا از این قرار است که زوج جوان در دانشگاه با هم آشنا می شوند و بعد از آن با وجود فاصله طبقاتی بین خانواده ها با پافشاری دختر و پسر سر سفره عقد می نشینند و زندگی مشترک شان را آغاز می کنند. از آن جایی که داماد جوان از نظر اقتصادی خیلی ضعیف است، پدرنش زیر بال و پرش را می گیرد تا چرخ زندگی اش را بچرخاند اما این پایان داستان نیست. برادر زن ها به خاطر بیکاری و فاصله طبقاتی از همان ابتدا مخالف ازدواج خواهرشان و منتظر یک فرصت بودند تا از داماد زهر چشم بگیرند. روزی پدر و مادر همسر داماد تصمیم می گیرند به یک سفر سیاحتی نسبتا طولانی بروند و همین ماجرا فرصت را در اختیار برادرزن ها می گذارد و آن ها به بهانه ای او را زیر مشت و لگد قرار می دهند و از خانه بیرون می کنند. برادرزن ها حتی پا را فراتر می گذارند و با تحت فشار قرار دادن دامادشان او را وادار به جدایی از خواهرشان می کنند تا به گفته خودشان از زخم زبان فامیل خلاص شوند. پدر و مادر دختر بعد از بازگشت از مسافرت متوجه اصل داستان

۴ تصادف با ۵ مجروح

رئیس پلیس راه استان از وقوع ۴ مورد تصادف با ۵ مجروح در محورهای استان طی ۲۴ ساعت منتهی به ظهر روز گذشته خبر داد. سرهنگ «حسین زاده» با اعلام جزئیات این خبر گفت: طی ۲۴ ساعت گذشته چندین مورد تصادف در محورهای مواصلاتی استان اعلام شد که بلافاصله کارشناسان به همراه عوامل امدادی به محل های مورد نظر اعزام شدند. وی با اشاره به این که این حوادث در محورهای فرعی ارکان بر اثر برخورد پیکان وانت و پژو ۲۰۶، کیلومتر ۱۶ فرعی اسفراین- سنخواست بر اثر برخورد نیسان و پراید، کیلومتر ۶۸ چمن بید- رباط و ازگونی سواری سمند و کیلومتر یک محور اسفراین- بجورد در اثر برخورد پراید و کامیون بنز به وقوع پیوست، افزود: در این تصادفات ۵ نفر مجروح و توسط عوامل امدادی به مراکز درمانی انتقال داده شدند. این مقام انتظامی با اشاره به این که کارشناسان علت وقوع این تصادفات را به ترتیب رعایت نکردن حق تقدم، نقص فنی لاستیک، تخطی از سرعت مطمئنه و تجاوز به چپ اعلام کرده اند، خاطر نشان کرد: رعایت حق تقدم و پرهیز از سرعت غیر مجاز مهم ترین عوامل پیشگیری از تصادفات هستند.

کشف ۴۷۷۴ عدد انواع مواد محترقه

فرمانده انتظامی مانه و سملقان از کشف بیش از ۴ هزار و ۷۷۴ عدد انواع مواد محترقه در این شهرستان خبر داد. سرهنگ «علی حسین رختیانی» با اعلام جزئیات این خبر گفت: طرح ارتقای امنیت اجتماعی توسط پلیس اطلاعات و امنیت عمومی با هدف برخورد با توزیع کنندگان مواد محترقه در این شهرستان اجرا شد. وی با اشاره به این که ماموران پلیس اطلاعات شهرستان مانه و سملقان در اجرای این طرح موفق شدند تعداد ۴ هزار و ۷۷۴ عدد انواع مواد محترقه را کشف و ضبط کنند، افزود: در این خصوص یک متهم دستگیر و به مقر انتظامی انتقال داده شد. این مقام انتظامی با تاکید بر این که تحقیقات پلیس درباره دستگیری عاملان اصلی نگهداری مواد محترقه همچنان ادامه دارد، خاطرنشان کرد: اجرای طرح های ارتقای امنیت اجتماعی با قدرت در دستور کار پلیس قرار دارد و از شهروندان انتظار می رود با توجه به نزدیکی به پایان سال و حوادث ناگواری که در چهارشنبه آخر سال برای افراد اتفاق می افتد، موارد نگهداری و فروش مواد محترقه را به پلیس اطلاع دهند.

تا برند یافت آباد هست اعتماد باید کرد

نمایشگاه دائمی مسلمان یافت آباد تهران

* فروش ویژه زمستانه *

۱ ماه گارانتی تعویض بدون قید و شرط

۳۱ ماه گارانتی معتبر

شعبه دیگری در استان ندارد

تخفیف نقدی ویژه ، به مدت محدود



آدرس: کیلومتر ۵ جاده بابا امان (جنب تالار ارغوان)